

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حسین باقرزاده

۱۹ جولای ۲۰۱۷

مریم میرزاخانی و مهدی علوی شوشتری

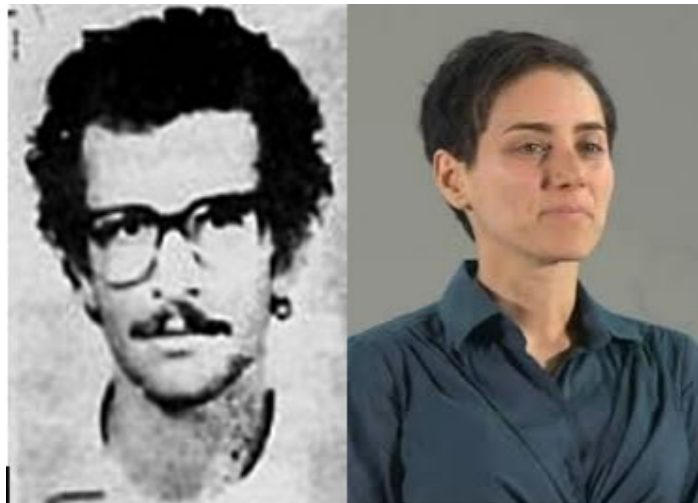


مرگ زودرس مریم میرزاخانی فقدانی بزرگ برای مردم ایران و جامعه ریاضی جهان بود. تعدادی از مقامات جمهوری اسلامی نیز به این خبر واکنش نشان دادند و مرگ او را تسلیت گفتند. این واکنش‌ها بیش از هر چیز این سؤال را پیش آورده که اگر مریم ایران مانده بود چه سرانجامی داشت. هر چه که بود بی تردید او مقام و موقعیت امروز را نداشت. جمهوری اسلامی سابقه درخشانی در تحمل و پرورش استعدادها علمی و فرهنگی ندارد و بیشتر استعدادکش بوده است تا استعدادپرور. کافی است به سرنوشت یکی دیگر از نابغه‌های ریاضی ایران بپردازیم و ببینیم که بر سر او در جمهوری اسلامی چه آمد.

اواخر سال ۱۳۵۸ من به ایران بازگشتم و بلافاصله در دانشکده علوم دانشگاه تهران به عنوان دانشیار رشته ریاضی مشغول به کار شدم. اندکی بعد کنفرانس سالانه انجمن ریاضی ایران در دانشگاه مشهد برگزار شد و من به عنوان یکی از شش عضو هیأت اجرائی انجمن و سپس دبیر آن انتخاب شدم. انجمن همه ساله یک مسابقه ریاضی دانشجویی در دانشگاه‌ها برگزار می‌کرد و به نفر اول این مسابقات جایزه می‌داد. اوایل تابستان بود که مراسمی برای معرفی برنده آن سال و اعطای جایزه به او برگزار شد. برنده، دانشجویی از دانشگاه اهواز به نام مهدی علوی شوشتری بود، ولی او نتوانسته بود در مراسم شرکت کند. هیأت اجرائی از من خواست که به عنوان دبیر انجمن پشت تریبون بروم و غیبت او را اعلام کنم - و این کار آسانی نبود.

مهدی علوی شوشتری متولد سال ۱۳۳۴ بود و در سال ۱۳۵۳ به دلیل فعالیت‌های سیاسی در اهواز دستگیر و به سه سال حبس محکوم شده بود. پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۵۷ برای تحصیل به آمریکا سفر می‌کند ولی در فاصله کوتاهی پس از پیروزی انقلاب به ایران بر می‌گردد و در دانشگاه جندی شاپور اهواز در رشته ریاضی ادامه تحصیل می‌دهد. او در دوران تحصیل شاگردی ممتاز بوده، و از قول یکی از استادان او در زمان تحصیلش در آمریکا نقل شده که از او به عنوان با استعدادترین دانشجویی که داشته یاد کرده است. نفر اول شدن او در مسابقات ریاضی سراسری کشور در آن سال این نظر را تأیید می‌کرد.

پشت تریبون رفتم و اعلام کردم که نفر اول مسابقات ریاضی سراسری کشور در آن سال مهدی علوی شوشتری از دانشگاه اهواز است و بعد اضافه کردم که متأسفانه خبر شدیم که ایشان چند روز پیشتر اعدام شده است. جمعیت خبر را با ناگواری شنید و در سکوت فرو رفت. من نیز سکوت کردم و همان جا ماندم. این سکوت بهت آمیز مدتی طول کشید تا نجاها شروع شد و تقریباً همه دانستند که چرا او اعدام شده است. او که در شروع انقلاب فرهنگی با آن به مبارزه برخاسته بود در فاصله کوتاهی دستگیر می‌شود و به زندان می‌افتد. سپس به دلیل این فعالیت‌ها و عضویت در سازمان پیکار به اعدام محکوم می‌شود و در روز ۶ تیرماه [سرطان] ۵۹ تیر با ران می‌شود.



مریم میرزاخانی و مهدی علوی شوشتری

قاضی صادر کننده حکم، روحانی نسبتاً جوانی به نام احمد جنتی بود که اکنون شهره خاص و عام است. صادق خلخالی در خاطراتش با اشاره به این که او نیز حکمی مشابه از خمینی برای قتل و اعدام گرفته بود می‌نویسد: «حضرت آقای جنتی، در اهواز و تهران، چند نفر از طاغوتیان را محاکمه و به اعدام محکوم کرد». از دید او و جنتی لابد یک دانشجو که در زمان شاه سه سال زندان کشیده نیز طاغوتی بوده است.

مریم میرزاخانی و مهدی علوی شوشتری، در زمان‌های مختلف نفر اول مسابقات ریاضی سراسری کشور بودند. امروز مقامات جمهوری اسلامی برای مرگ میرزاخانی اظهار تأسف می‌کنند ولی هیچ یک از آنان به استعدادهای فراوانی که در طول حیات این نظام عمداً سرکوب و نابود شدند کمترین واکنشی نشان نداده‌اند. میرزاخانی البته چون فعالیت سیاسی نداشت اگر در ایران مانده بود به چنین سرنوشتی گرفتار نمی‌شد ولی مسلماً موقعیت امروز را نیز نداشت و استعدادی بود که ناشکفته به گور سپرده می‌شد.